

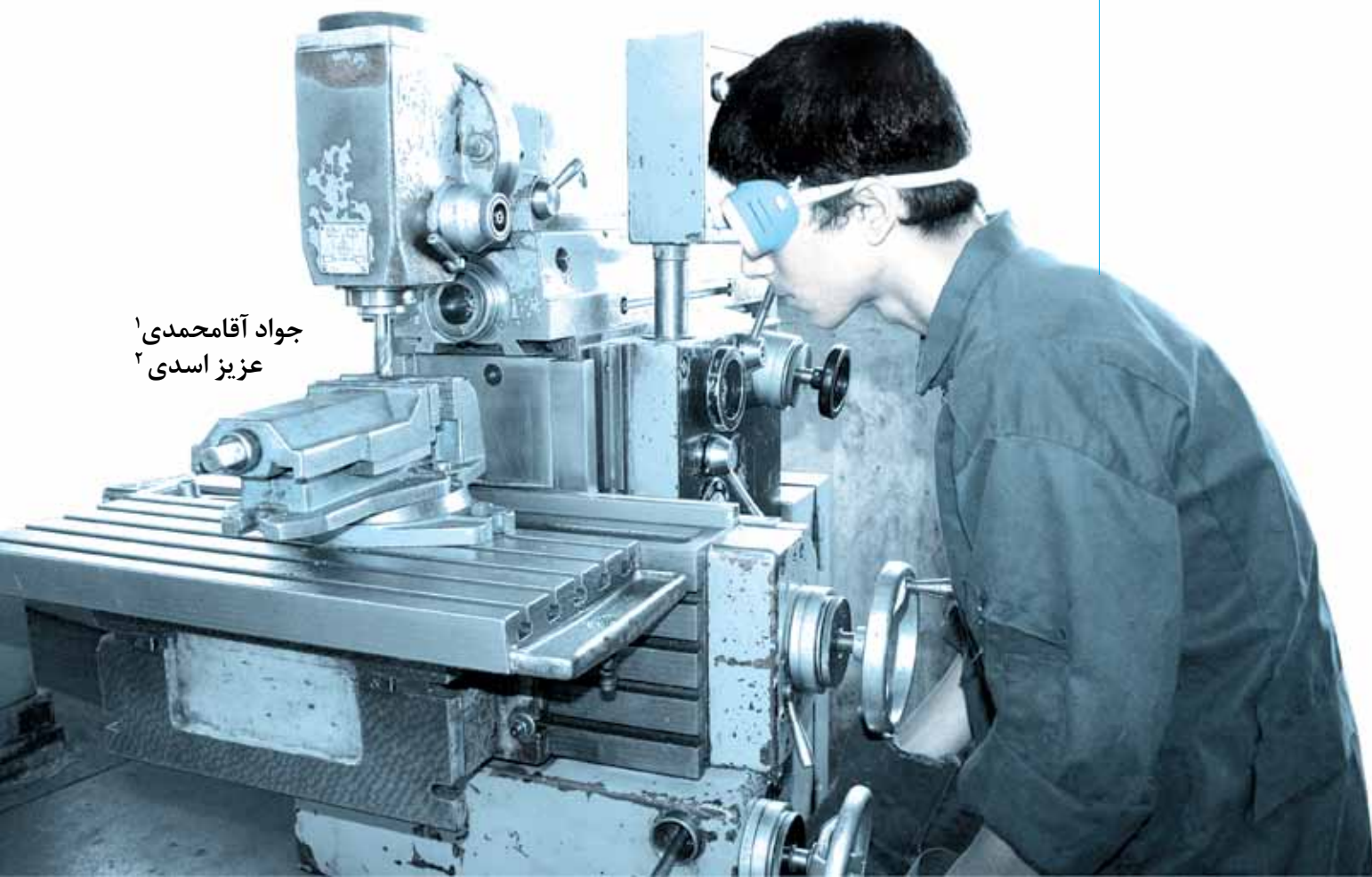
بررسی ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش (مطالعه موردی، شهر سنجند)

چکیده

پیشی گرفته‌اند و این ویژگی‌ها در هنرجویان نسبت به هنرآموزان برجسته‌تر است. همچنین نتایج نشان داد سطح سواد و تحصیلات عامل بسیار مهمی در تعیین ویژگی‌های کارآفرینی است، به این صورت که هرچه سطح سواد بالا رود به همان میزان ویژگی کارآفرینی در فرد افزایش می‌یابد. عامل جنسیت نیز نقش مهمی در تعیین ویژگی کارآفرینی در بین هنرآموزان دارد. نتایج نشان دهنده این واقعیت است که ویژگی کارآفرینی در مردان بیشتر از زنان است و این در حالی است که این اختلاف و تفاوت بین هنرجویان زن و مرد وجود ندارد.

هدف تحقیق حاضر بررسی ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش شهر سنجند بوده است. روش مطالعه به شیوه توصیفی و بر روی ۲۸۵ نفر هنرآموز و هنرجو، که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند، صورت گرفته است. روش گردآوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه استاندارد سنجش ویژگی‌های کارآفرینی (متشکل از سی سؤال و شش گویه) بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که «هنرجویان» در همه مؤلفه‌ها و ویژگی‌های کارآفرینی، به جز تحمل ابهام، از «هنرآموزان»

جواد آقامحمدی^۱
عزیز اسدی^۲



کارآفرینان از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی، ایجاد شغل، رقابت و بهره‌وری سهم مهمی در رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی دارند

سیاست‌های توسعه کارآفرینی در دنیا ایجاد شود. تأمل در وضعیت اقتصادی و روند مراحل پیشرفت و توسعه در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، که به موضوع کارآفرینی توجه کرده‌اند، بیانگر آن است که این کشورها

توانسته‌اند در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یابند و با حداقل، بحران‌های پیش آمده را به سلامت پشت سر گذارند و بحران‌هایی را که وقوعشان را در آینده پیش‌بینی می‌کردند مهار کنند.

پرداختن به مقوله کارآفرینی مستلزم ایجاد بستر و فرهنگ‌سازی مناسب است. باید پذیرفت تا زمانی که افراد یک کشور از اهمیت کارآفرینی و کارکردهای آن غافل باشند هرگز نمی‌توان انتظار داشت که آنان با شوق و انگیزه کافی به این سمت حرکت کنند و قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را به منصه ظهور برسانند. نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی در کشور، به‌خصوص در نظام آموزشی، این نتیجه مطلوب را به دنبال خواهد داشت که نیروی انسانی، مخصوصاً نیروی جوان، بدون اتکا به دولت، به کارآفرینی پردازند و در تولید کالا و خدمات و در فرایند توسعه کشور سهم شوند.

دلایل مهم توجه به موضوع کارآفرینی عبارت‌اند از: تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد. کارآفرینی سمبل و نماد تلاش و موفقیت در امور تجاری و کارآفرینان پیشگامان موفقیت‌های تجاری در جامعه هستند. توانایی آن‌ها در بهره‌گیری از فرصت‌ها، نیروی آن‌ها در نوآوری و ظرفیت در برابر موفقیت، معیارهایی هستند که کارآفرینی نوین به وسیله آن‌ها سنجیده می‌شود.

کارآفرینان از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی، ایجاد شغل، رقابت و بهره‌وری سهم مهمی در رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی دارند. کارآفرینان همواره سعی می‌کنند تا هزینه‌های خود را به حداقل برسانند، با توجه به منابع موجود

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، مؤلفه‌های کارآفرینی، هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش، آموزش و پرورش.

مقدمه

در عصر حاضر که با افزایش جمعیت، جوامع و سازمان‌ها به سرعت در حال گسترش و پیشرفت‌اند و در پی آن، پیچیدگی آن‌ها نیز رو به فزونی است، کارآفرینی در یک تعامل چندسویه، یعنی هم در مفهوم ایجاد اشتغال، هم در مفهوم ایجاد تحول از راه نوآوری‌ها و بهبود فرایندها و هم به منزله عامل کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی، به شدت مورد نیاز است. حتی می‌توان بحث کارآفرینی را در عصر مدرن امروزی یکی از اصلی‌ترین راهبردهای بنیادی هر کشور محسوب کرد و یکی از معیارهای مهم تمایز کشورهای توسعه یافته و جهان سوم را می‌توان در میزان کارایی و عملیاتی کردن این مقوله دانست.

سرعت تغییرات کنونی به گونه‌ای است که شناسایی و پیش‌بینی تغییرات از حالت یک‌نواخت و همسان خارج شده است و تجارب و دستاوردهای گذشته الزاماً موفقیت آینده را تضمین نمی‌کنند. می‌توان گفت عصر حاضر، عصر فقدان تداوم، پیش‌بینی و انقیاد است. حاکم شدن این انگاره در اساس تغییرات جوامع امروزی، این جوامع را بیش از پیش به سوی خلاقیت و نوآوری و پذیرش تفاوت و تغییر سوق داده است. می‌توان این مهم را در میزان کارآفرین بودن آن‌ها یافت، در نتیجه هر کشوری که توان برقراری رابطه منطقی و معقول بین موارد یادشده را داشته باشد و در جهت تغییرات جهانی گام بردارد می‌تواند ادعا کند که در این دریای خروشان با موفقیت به سر منزل مقصود، که همان موفقیت و پیشرفت است، گام برداشته است (ناهید، ۱۳۸۸).

رویکرد اکثر کشورهای جهان در دهه‌های اخیر به موضوع کارآفرینی و توسعه آن، موجب شده است موجی از

برنامه‌ریزی کنند و به آنچه نمی‌دانند بیشتر از آنچه دارند می‌اندیشند. به همین جهت ریسک‌پذیرند، تحمل ابهام را دارند و به تحقیقات ارجح می‌نهند.

بنابراین، اعتقادی در جوامع لازم است که به انقلاب کارآفرینی بینجامد، به گونه‌ای که این انقلاب در قرن حاضر، اهمیتی به مراتب بیشتر از اهمیت انقلاب صنعتی پیدا کند (شفیع‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰). باید پذیرفت که عصر تسلط دولت‌ها بر اجتماعات بشری رو به افول است. اکنون دوران تسلط روحیه کارآفرینی فرا رسیده است. در بازارهای پر رقابت جهانی، سرمایه‌داری بزرگ کلاسیک به مرور قدرت خود را از دست می‌دهد. فقط کسانی که روحیه کارآفرینی دارند قادر به ادامه حیات اقتصادی - اجتماعی در عرصه‌های مختلف است. از این رو در این عرصه نوین رقابتی، جامعه‌ای پیش‌تاز است که از دانش‌آموختگان پویا و خلاق برخوردار باشد، از عهده گردآوری منابع مختلف تولید برآید و با کوشش‌های خلاقانه خود به کسب و کار بپردازد و به بیانی بهتر، کارآفرین باشد (بهرام‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹).

تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که در افراد قابلیت‌هایی وجود دارد که پرورش این قابلیت‌ها موجب کارآفرینی آنان می‌شود. به عبارت دیگر، پیشرفت و توسعه اقتصادی به یک گروه و مذهب خاصی اختصاص ندارد و با رشد و توسعه برخی از ویژگی‌ها، از جمله؛ ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی، خلاقیت، نوآوری و غیر آن‌ها در افراد، می‌توان زمینه رشد و توسعه اقتصادی و فعالیت‌های کارآفرینانه را در جوامع مختلف فراهم کرد.

در بیان اهمیت و نقش این ویژگی‌ها تحقیقات متعددی صورت گرفته است. از جمله دراکر^۲ (۱۹۸۵) و پوستیکو^۴ (۲۰۰۲) در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافتند که خلاقیت و نوآوری با کارآفرینی لازم و ملزوم یکدیگرند، به طوری که کارآفرینی بدون خلاقیت و نوآوری حاصلی ندارد. تورن و کرا^۵ (۲۰۰۷) در ادامه تحقیقات خود در خصوص همین ویژگی دریافتند که خلاقیت و نوآوری از طریق تمدن و فرهنگ‌های متفاوت تعدیل می‌شود و فرهنگ‌های متکی بر استقلال فردی بر این ویژگی بسیار تأکید دارد.

در خصوص ویژگی استقلال‌طلبی و ماهیت آن در شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینانه، میشل^۶ (۲۰۰۴)، با مطالعاتی که بر روی دانش‌آموزان انجام داد، دریافت که بین این ویژگی و توانایی افراد کارآفرین رابطه مستقیمی وجود دارد. وگنر^۷ (۲۰۰۷) نیز در تحقیق خود نشان داد که در شروع

فعالیت‌های کارآفرینانه، مخاطره‌جویی و ریسک‌پذیری نقش مهمی را ایفا می‌کند (مرادی و همکاران، ۱۳۸۷)، طاهری و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیقی که به بررسی رابطه کارآفرینی سازمانی با خلاقیت در سازمان فنی‌وحرفه‌ای شهرستان گچساران پرداخته، آورده‌اند که بین کارآفرینی سازمانی و خلاقیت و ابعاد کارآفرینی با خلاقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

پرداختچی و همکاران (۱۳۸۷)، در پژوهش خود، که به بررسی اثربخشی مدیریت در زمینه‌سازی برای بروز و پرورش کارآفرینی پرداختند، نشان دادند که هیچ رابطه‌ای بین کارآفرینی و سطح تحصیلات افراد و سابقه کاری آن‌ها وجود ندارد. مشایخ (۱۳۸۶)، در پژوهشی که بر روی ۱۳۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی در مورد روحیه کارآفرینی انجام داده، به نتایج ذیل دست یافته است: دانش‌آموزانی که در رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش تحصیل می‌کنند، نسبت به سایر دانش‌آموزانی که در رشته‌های نظری تحصیل می‌کنند از روحیه کارآفرینی بالاتری برخوردارند. بین دانش‌آموزانی که آموزش کارآفرینی دیده‌اند و دانش‌آموزانی که آموزش کارآفرینی ندیده‌اند تفاوت معناداری وجود دارد.

رضایی و رهسپار (۱۳۸۸) در تحقیقی، با عنوان بررسی چگونگی ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی داراب، نتایج نشان دادند که نمره میانگین دانشجویان، زن و مرد، گرچه در روحیه کارآفرینی مؤلفه نیاز به موفقیت و استقلال تفاوت وجود داشت اما در مؤلفه کنترل درونی، خلاقیت و تمایل به خطرپذیری تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید و همچنین بین دوره تحصیلی کاردانی و کارشناسی در روحیه کارآفرینی دانشجویان تفاوت محسوسی مشاهده نشد، قهرمانی و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیقی که به بررسی فرهنگ سازمانی و رابطه آن با کارآفرینی سازمانی از دیدگاه کارکنان غیرهیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی پرداخته، مشاهده کردند که بین کارآفرینی سازمانی و فرهنگ سازمانی از نظر جنسیت و مدرک تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

مشایخ (۱۳۸۳)، در پژوهشی که به بررسی ارتباط پایگاه اجتماعی خانواده و میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه شیراز پرداخته به نتایج زیر دست یافته است: بین سواد والدین و شغل آن‌ها با روحیه کارآفرینی رابطه مستقیم وجود دارد اما در این تحقیق رابطه خاصی بین روحیه کارآفرینی و جنسیت مشاهده نگردیده است، توسل خدمتی (۱۳۷۹)، در تحقیقی، با عنوان بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی

اسلام برای کارهای تولیدی و کارهای تجاری اهمیت قابل‌است و از بی‌کاری، تنبلی و تن‌پروری نهی و همواره بشر را متوجه این نکته می‌کند که هر چه هست عمل است

شده است که زنان در برنامه‌ریزی، شهود و ادراک نمره‌ای بالاتری نسبت به مردان داشته‌اند (به نقل از رضایی و رهسپار، ۱۳۸۸). جانز و انگلیش (۲۰۰۴)، طی مطالعه‌ای که بر روی دانشجویان انجام شد، دریافتند که با فرایند آموزش کارآفرینی می‌توان افراد را با توانمندی خود برای بازشناسی فرصت‌های تجاری، به صورت داشتن اعتمادبه‌نفس و نیز دانش و مهارت برای اقدام آشنا کرد (به نقل از قلی‌زاده و مقتدری، ۱۳۸۷).

شریف‌زاده (۱۳۸۲)، در پژوهش خود که به بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در راستای تقویت روحیه کارآفرینی با چهار خصیصه نیاز به پیشرفت، قدرت، رقابت و تحمل ریسک‌پذیری پرداخته است، نتیجه می‌گیرد که بین دانشجویان رشته‌های گوناگون تحصیلی و نیز مقطع تحصیلی تفاوت معنی‌داری از نظر روحیه کارآفرینی وجود ندارد.

با این تفاسیل، پژوهش حاضر در پی دستیابی به ویژگی‌های شخصی کارآفرینی در بین هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش شهر سنندج به منظور ارائه راهکارهای علمی و عملی است تا به این طریق بتوان به برنامه‌ریزان و عوامل اجرایی حوزه آموزشی کمک کرد تا نسبت به مقوله کارآفرینی و کسب و کار تصمیمات واقع‌بینانه‌ای اتخاذ نمایند.

در دبیرستان‌های دولتی کاردانش شهرستان کرج، می‌گوید که مدارس فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش سهم عمده‌ای در بروز و توسعه کارآفرینی در نظام آموزشی بر عهده دارند و با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت می‌توان به این مهم دست یافت.

عبدالملکی و همکاران (۱۳۸۷)، در تحقیقی که به بررسی رابطه مهارت‌های کارآفرینی با کارآفرینی سازمانی در شرکت ایران‌خودرو پرداخته‌اند، به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای جنسیتی، سن و سواد عامل مهمی در میزان کارآفرینی به شمار می‌روند. مرادی و همکاران (۱۳۸۷)، در تحقیقی در خصوص بررسی ویژگی‌های بنیادین کارآفرینی دانش‌آموزان به این مهم رسیدند که دانش‌آموزان از نظر قابلیت‌های بنیادین در وضعیت نامطلوبی قرار دارند، هرچند که این افراد در چهار ویژگی توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، خلاقیت و ریسک‌پذیری متوسط به بالا هستند و یادآور می‌شود که مدارس ما باید از این لحاظ مورد بررسی قرار گیرند و به تشخیص نقاط ضعف و قوت خود بپردازند و اگر لازم باشد در اصول و سیاست‌های آموزشی خود بازنگری کنند.

کولینز^۸ (۲۰۰۷)، در پژوهش خود به نمره بالای ویژگی‌های انعطاف‌پذیری، تحمل ریسک، مدیریت زمان و برون‌گرایی مردان نسبت به زنان اشاره کرده و در مقابل یادآور



فرایند کارآفرینی را خلق چیزی نو می‌داند که توأم با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات مالی، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال است. نتیجه این فرایند از فعالیت منظمی حاصل می‌شود که خلاقیت و نوآوری را به نیازمندی‌ها و فرصت‌های بازار پیوند می‌دهد (مرادی و همکاران، ۱۳۸۷).

مطالعه کارآفرینی در روان‌شناسی بر درک این نکته که چگونه صفات افراد با انگیزش و عملکرد کارآفرینانه ارتباط دارد، متمرکز است (احمدپور داریانی و مقیمی، ۱۳۸۵). استیونسون^{۱۱} و دیگران (۱۹۸۵) معتقدند کارآفرینان، رفتاری فرصت‌گرایانه دارند و سازمان‌های کارآفرین دارای ویژگی‌های پویا همچون تشویق افراد به تجسم‌سازی، انعطاف‌پذیری و تمایل به مخاطره‌پذیری هستند (حسن مرادی، ۱۳۸۳).

به نظر بلای گریو^{۱۲} (۱۹۹۴)، کارآفرین فردی است که مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره، تقبل و تعهد می‌کند و در عین حال، کسی است که یک فرصت را درمی‌یابد و برای پی‌گیری آن فرصت، یک سازمان را راه‌اندازی می‌کند و فرایند کارآفرینی تمام وظایف، فعالیت‌ها و عملیاتی را که با درک فرصت و ایجاد یک سازمان به منظور پی‌گیری آن فرصت‌ها ارتباط می‌یابد، دربرمی‌گیرد (ناظم، ۱۳۸۶).

کارآفرینی

به گفته لونس بری^{۱۳} (۲۰۰۱)، مفهوم کارآفرینی برای اولین بار برای کسانی به کار می‌رفت که در جنگ‌های سده شانزدهم میلادی در مأموریت‌های نظامی خود را به خطر می‌انداختند و به استقبال مرگ می‌رفتند. بعدها این واژه به کسانی اطلاق می‌شد که مخاطره یک فعالیت اقتصادی را می‌پذیرفتند و دست به یک نوآوری می‌زدند.

کارآفرینی از دیدگاه سنتی، به صورت یک پدیده در سطوح فردی مفهوم‌سازی شده و مورد مطالعه قرار گرفته است. اما از دیدگاه نئوکلاسیک واژه کارآفرینی یک پدیده اجتماعی است که در لوای تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. همچنان که در دانشگاه‌های آمریکا، فرهنگ کارآفرینی مشارکتی در حال ترویج است تا از این طریق کارآفرینان در شغل خود ارزش افزوده حاصل کنند و موفقیت خود را تضمین نمایند (شفیع‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰).

تعاریف متعددی در مورد کارآفرینی مطرح گردیده است. در **دایره‌المعارف** بریتانیا کارآفرین این‌گونه تعریف شده است: شخصی که کسب و کار یا مؤسسه اقتصادی را سازماندهی و مدیریت می‌کند و خطرات ناشی از آن را می‌پذیرد. هیستریج^{۱۴}



کارآفرین فردی است که توانایی آن را دارد تا فرصت‌های کسب و کار را ببیند، آن‌ها را ارزیابی و منابع لازم را جمع‌آوری کند، از آن‌ها بهره‌برد و عملیات مناسبی را برای رسیدن به موفقیت پی‌ریزی کند. او می‌تواند با استفاده از عوامل تولید متعلق به دیگران و مدیریت خویش به فعالیت‌های مولد اقتصادی اقدام کند (صالحیان، ۱۳۸۳).

با توجه به تعاریف فوق و در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت کارآفرینان افرادی هستند که از فرصت‌ها به خوبی استفاده می‌کنند، خدمات نو و بدیع ارائه می‌دهند و محیط‌های مخاطره‌آمیز را ترجیح می‌دهند.

مکاتب تفکر کارآفرینی

● **مکتب انسانی:** مکتب انسانی همانند نگرش، از صفات مشخصه رهبری است. این مکتب صفات مشخصه ویژه‌ای را برای کارآفرینان موفق برمی‌شمارد که عبارت‌اند از:

- نیاز به پیشرفت^{۱۲}: نیاز به پیشرفت و موفقیت، عبارت است از تمایل به انجام دادن کار در استانداردهای عالی برای موفقیت در موقعیت‌های رقابتی؛

- مرکز کنترل درونی^{۱۴}: کارآفرینان موفق، به خود ایمان و اطمینان دارند و موفقیت یا شکست خود را به بخت و اقبال نسبت نمی‌دهند، بلکه شکست و موفقیت در کنترل آن‌هاست (هورندای، ۱۹۷۱)؛

- ریسک‌پذیری^{۱۵}: تمایل به ریسک‌پذیری عبارت است از پذیرش مخاطره‌های معتدل، که می‌توانند از طریق تلاش‌های شخصی مهار شوند. کارآفرین لزوماً در پی فعالیتی نیست که مخاطره آن زیاد باشد، بلکه مایل است مقدار متوسطی از مخاطره و ریسک را برای شروع فعالیت بپذیرد و در این حد حاضر می‌شود تا پول، امنیت، شهرت و موقعیت خود را به خطر اندازد و هرگز این‌طور نیست که تصور شود کارآفرینان دست به قمار زده‌اند. بلکه در اقدام به مخاطره بسیار حساب شده و با دقت عمل می‌کنند و تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا احتمالات را به نفع خود تغییر دهند.

- نیاز به استقلال^{۱۶}: در واقع نیاز به استقلال، عاملی است که سبب می‌شود تا کارآفرینان به اهداف و رؤیاهای خود دست یابند. بیشتر کارآفرینان، ساعت‌های زیادی در روز کار می‌کنند اما رضایت آنان از آنجا حاصل می‌شود که با وجود محدودیت‌های اقتصادی و محیطی، خود تصمیم می‌گیرند، کارها را به شیوه خود انجام می‌دهند، طبق برنامه وارد عمل می‌شوند و سودی را که خود ایجاد کرده‌اند برداشت می‌کنند (احمدپور داریانی، ۱۳۸۰).

- گرایش به خلاقیت و نوآوری^{۱۷}: توانایی ترکیب

اندیشه‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد برای ایجاد ارتباط نامعمول میان اندیشه‌ها (رابینز، ۱۹۹۴). کایزر^{۱۸} (۱۹۶۸)، خلاقیت را عبارت از به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم تازه و نو می‌داند. لوسیر^{۱۹} (۱۹۹۷)، در تعریف خلاقیت به شیوه‌ای از تفکر که باعث تولید ایده‌های جدید می‌شود، تأکید می‌کند. در تعاریف ارائه شده از خلاقیت روی ابعاد و جنبه‌های مختلفی تأکید شده است، لذا می‌توان گفت که خلاقیت پدیده‌ای چندوجهی و یک کل یک‌پارچه است.

- تحمل ابهام^{۲۰}: فرای^{۲۱} (۱۹۹۳)، قدرت تحمل ابهام عبارت است از پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی، توانایی ادامه حیات با دانشی ناقص درباره محیط و تمایل به آغاز یک فعالیت مستقل، بی آنکه شخص بداند آیا موفق خواهد شد یا خیر. به نظر می‌رسد کارآفرینان، به مراتب بیش از مدیران شرکت‌ها، قدرت تحمل ابهام را دارند.

- سازگاری و انعطاف‌پذیری^{۲۲}: کارآفرینی با خشکی و انعطاف‌پذیری سازگار نیست. اگر کارآفرین بخواهد با دیگران کار کند و مؤثر باشد باید خود را در آن مجموعه انعطاف‌پذیر کند و از انطباق با تیم و دانشگاه ابایی نداشته باشد.

● **مکتب محیطی:** این تفکر کارآفرینی مجموعه‌ای از عوامل پیچیده محیطی را در تعیین تعداد و نوع کارآفرینان موفق دخیل می‌داند. این عوامل شامل مؤسسات و نهادها، ارزش‌های اجتماعی، فرایندهای سیاسی و فرصت‌های اقتصادی است که اگر در یک محیط با یکدیگر ترکیب شوند موجب شکل‌گیری مؤسسات کارآفرین می‌گردند.

● مکتب ریسکی (مخاطره‌ای):

جدیدترین مکتب در زمینه تفکر کارآفرینی تا اندازه‌ای پیچیده‌تر از سایر مکاتب کارآفرینی

است. این نگرش بیان می‌دارد که صفات مشخصه فردی و محیطی لازم‌اند اما برای کارآفرینی کافی نیستند. براساس این نگرش اگر افرادی که دارای انگیزه بالا هستند در یک محیط مطلوب قرار بگیرند، تضمین‌کننده کارآفرینی نخواهند بود، بلکه آن‌ها باید یک فرصت ریسکی را شناسایی نمایند و منابع و حمایت محیطی لازم را برای بهره‌برداری از آن‌ها نیز بیابند. برای کارآفرین بودن، انتخاب درست فرصت مخاطره‌آمیز در زمان و مکان مناسب و سپس طراحی شغل متناسب با آن ضروری است (مقیمی، ۱۳۸۶).

کارآفرینی در اسلام

اسلام دین کار و تلاش و آیین عمل و کوشش است و

**قرآن کریم را جعبه عمل،
بسیار تآکید دارد و با
تعبیر رسا و زیبایی در
این خصوص می‌فرماید:
برای بشر جز آنچه کوشش
کرده است چیزی وجود
ندارد**

همه انسان‌ها را برای تأمین معاش و زندگی با عزت و شرافت دعوت می‌کند. سخت‌کوشی و مقاومت در برابر سختی‌ها از آموزه‌های اساسی اسلام است و اهتمام به کار و تلاش از دیدگاه اسلام نوعی عبادت است، همان‌گونه که روح و جسم وی را تقویت می‌کند.

اسلام برای کارهای تولیدی و کارهای تجاری اهمیت قائل است و از بیکاری، تنبلی و تن‌پروری نهی و همواره بشر را متوجه این نکته می‌کند که هرچه هست عمل است. سرنوشت انسان را عمل او تعیین می‌کند. این یک طرز فکر واقع‌بینانه، منطقی و منطبق با قوانین طبیعت است.

قرآن کریم راجع به عمل، بسیار تأکید دارد و با تعبیر رسا و زیبایی در این خصوص می‌فرماید: «برای بشر جز آنچه کوشش کرده است چیزی وجود ندارد.» (سوره نجم، آیه ۳۹) آموزه‌های دینی مورد بحث در حوزه کارآفرینی هیچ‌گاه این موضوع را به ذهن متبادر نمی‌کند که رابطه کار و تلاش با اخلاق دینی یک رابطه دنیاگرایانه است، بلکه وارد شدن به مباحث زندگی و برنامه‌ریزی برای هر فرد در زندگی مادی هم مورد توجه دین اسلام است و دنیا پلی است به سوی آخرت و برای زندگی در دنیا به همه منابع و ضروریات زیستن پرداخته شده است. بر این اساس انسان مؤمن به تمام معنا می‌تواند یک کارآفرین باشد و به موفقیت و کامیابی دنیا و آخرت دست یابد.

از دیدگاه فرهنگ اسلامی، کارآفرین فرد تلاشگری است که با اتکا به نفس و توکل به خداوند می‌تواند در جهت منافع فردی و اجتماعی گام بردارد. همچنین با بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری مبتنی بر وجدان کاری و انضباط اجتماعی، به تغییر و تحول و توسعه بپردازد. در آموزه‌های اسلامی مراحل از عزت نفس، مرهون تلاش و کوشش انسان است و این مساعی موجب سربلندی فرد می‌شود. اسلام به فرد می‌آموزد که به دیگران وابسته نشود، دست‌گدایی به سوی این و آن دراز نکند و با کار و حرفه خود استقلال نظر و عمل پیدا کند. خلاصه این‌که در قرآن کریم کسب و کار و کارآفرینی به عناوین مختلفی در بیش از سی سوره و حدود پنجاه آیه توصیه و تشویق شده است (هزارجریبی، ۱۳۸۹).

سؤالات پژوهش

- وضعیت هر یک از ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش شهر سمنان چگونه است؟

- آیا بین ویژگی‌های هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش شهر سمنان تفاوت وجود دارد؟

- آیا بین ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان و هنرجویان برحسب جنسیت تفاوت وجود دارد؟

- آیا بین ویژگی‌های کارآفرینی هنرآموزان برحسب مدرک تحصیلی تفاوت وجود دارد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی پیمایشی است. چراکه به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه جهت سنجش نظرات هنرآموزان و هنرجویان استفاده شده است (پیمایشی)، برای به نمایش گذاشتن ویژگی‌های نمونه آماری طرح و تحلیل سؤالات به منظور توصیف وضع موجود از درصد، نمودار، جداول فراوانی و انحراف معیار استفاده شده است (توصیفی).

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش شهر سمنان است، که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ مشغول به کار یا تحصیل بوده‌اند و نمونه آماری پژوهش شامل ۱۵۰ نفر هنرآموز و ۱۳۵ نفر هنرجوست، که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند.

ابزار گردآوری و اندازه‌گیری اطلاعات

روش اسنادی: در این روش از منابع معتبر کتابخانه‌ای، اعم از مقالات، نشریات، پایان‌نامه‌ها و کتب داخلی و خارجی استفاده شده است.

روش میدانی: برای سنجش و آزمون سؤالات تحقیق از پرسش‌نامه استاندارد سنجش کارآفرینی سی سؤالی که دارای شش مؤلفه است، استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از اجرای آزمون به دو صورت توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است: مقادیر کمی مأخوذ از پرسش‌نامه با استفاده از میانگین، نمودار و جدول ترسیم و در بخش آمار استنباطی از آماره t و F استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

کارآفرینی فرایندی است که نقش حیاتی در تداوم، رشد و توسعه ملی و حتی اقتصادی جهانی ایفا می‌کند. لذا لزوم ایجاد بستر و جو مناسب در جهت حمایت‌های منطقی اعم از مادی، معنوی، فرهنگی، تحقیقاتی و علمی از کارآفرینی و کارآفرینان بیش از پیش در کشور ما احساس می‌گردد. اهمیت بحث کارآفرینی به حدی است که اقتصاددانان کارآفرینان را موتور محرک و عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی جامعه

می‌دانند. دانشمندان مدیریت نیز آن‌ها را از مهم‌ترین عوامل تحول و نوآوری‌های سازمانی در عصر حاضر به شمار می‌آورند. لذا هر محیطی که افرادش برخوردار از تفکر و هنر کارآفرینی باشند، اقتصادی پویا و متنوع و محیطی با نشاط و سرشار از تولید خواهند داشت (میرغفوری، ۱۳۸۸)، عصر جدید، عرصه رقابت بر سر منابع و سرمایه‌هاست، کشورهای بزرگ صنعتی که فاتحان این عرصه‌اند بهره‌وری از منابع و سرمایه‌ها را در سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و در پرتو وجود افراد تحصیل کرده و متخصص، چرخ‌های رشد و توسعه را به حرکت درآورده‌اند و به ابداعات و نوآوری‌هایی دست یافته‌اند. یکی از عوامل مهم دسترسی به این نوآوری‌ها که اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته را از نو زنده کرده منوط به کارآفرینی بوده است. کارآفرینی موجب بالا رفتن کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد، کاهش اضطراب‌های اجتماعی و بهره‌وری از منابع ملی می‌شود.

امروزه سرمایه انسانی معادل کیفیت نیروی انسانی است که با وجود آن، امکان ترکیب مناسب نهاده‌های کار و سرمایه فیزیکی و خلق فرصت‌های اقتصادی جدید فراهم می‌شود، یکی از عواملی که در ارتقای کیفیت نیروی انسانی مؤثر است تربیت افراد تحصیل‌کرده با ویژگی‌های پیش‌برنده مانند روحیه خلاقیت، تفکر، نوآوری، کارآفرینی و توسعه‌گرایی در مراکز آموزشی است.

از مهم‌ترین مراکزی که می‌توانند در پرورش کارآفرینان نقش مهمی ایفا کنند، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌باشند. به همین منظور، یکی از اهداف مهم آموزش عالی کشورمان در چند سال اخیر، پرورش نیروی انسانی کارآفرین بوده است. در شرایط کنونی که اقتصاد کشورمان با مسائل و نارسایی‌های مهمی نظیر فرار مغزها، بیکاری به‌ویژه در فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، کمبود نیروی انسانی متخصص، کاهش سرمایه‌گذاری دولت و نیز عدم تحرک و رشد اقتصادی کافی روبه‌روست، آموزش کارآفرینان در دانشگاه‌ها از اهمیت مضاعفی برخوردار شده است.

سؤال اول ما به بررسی ویژگی‌های کارآفرینی در بین هنرآموزان و هنرجویان می‌پردازد. نتایج نشان داد که میانگین ویژگی‌های کانون کنترل، نیاز به کنترل، نیاز به موفقیت، سلامت فکری و استقلال‌طلبی در میان هنرجویان بیشتر از میانگین مقدار آن در میان هنرآموزان است. اما میانگین ویژگی تحمل ابهام در میان هنرآموزان بیشتر از میانگین آن در میان هنرجویان است. تحقیقات متعددی نشان می‌دهند که در افراد قابلیت‌هایی وجود دارد که پرورش این قابلیت‌ها موجب کارآفرینی آنان می‌شود، به عبارتی دیگر

پیشرفت و توسعه اقتصادی به گروه خاصی اختصاص نداشته است و با رشد و توسعه برخی از ویژگی‌ها در افراد می‌توان زمینه رشد و توسعه اقتصادی را در جوامع مختلف فراهم کرد. یکی دیگر از سؤالات تحقیق به بررسی ویژگی‌های کارآفرینی در بین هنرآموزان و هنرجویان زن و مرد پرداخته و نتایج نشان داد که ویژگی کارآفرینی هنرآموزان مرد نسبت به زن بیشتر است و این با نتایج تحقیق عبدالملکی (۱۳۸۷) همسو و با نتایج تحقیق کولینز (۲۰۰۷) که در آن رأی به برتری زنان نسبت به مردان داده بود مغایرت دارد. این در حالی است که بین هنرجویان زن و مرد از لحاظ ویژگی کارآفرینی تفاوتی وجود ندارد و این با نتایج تحقیق رضایی و رهسپار (۱۳۸۸) و مشایخ (۱۳۸۳) همسو و هماهنگ می‌باشد. از دیگر نتایج تحقیق رابطه کارآفرینی با مدرک تحصیلی و دانشگاهی است به این معنی که هرچه سطح سواد افزایش یابد ویژگی‌های کارآفرینی بیشتر در فرد بروز می‌کند و این در حالی است که پرداختن به همکاران (۱۳۸۷)، شریف‌زاده (۱۳۸۲)، رضایی و رهسپار (۱۳۸۸) و قهرمانی و همکاران (۱۳۸۹) رأی به عدم رابطه بین کارآفرینی و سطح تحصیلات داده بودند و مغایر با نتیجه تحقیق حاضر است و عبدالملکی (۱۳۸۷) در تحقیق خود از سطح تحصیلات به‌عنوان عامل مهمی در رشد و توسعه کارآفرینی نام می‌برد.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

Email: javad_am_59@yahoo.com

۲. کارشناس آمار دانشگاه شهید چمران اهواز.

Aziz_1357@yahoo.com

3. Druker

4. Postigo

5. Turn & Kara

6. Mitchell

7. Wagner

8. Collins

9. Lounsbury

10. Histrich

11. Stevenson

12. By grave

13. Need for achievement

14. Internal locus of control

15. Risk taking propensity

16. individuality

17. creativity

18. Kaiser

19. Lussier

20. Ambiguity tolerance

21. Fry

22. flexibility